

■ شرایط و شیوه به‌کارگیری افراد در تشکیلات اداری آستان
قدس در دوره صفویه براساس اسناد

حمیده‌شهیدی

■ چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناخت شرایط، مقررات، و شیوه به‌کارگیری افراد در تشکیلات اداری آستان قدس، در دوره صفویه و بررسی نقش حکومت مرکزی و متولی آستان قدس در این امر است.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و براساس اسناد مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس، سعی در پاسخ به پرسش‌های پژوهش دارد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: باتوجه به اسناد موجود، تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه، دارای تشکیلات اداری و دیوانی منظم و حساب شده بود. اداره کردن این تشکیلات، مستلزم وجود نیروی انسانی است. با بررسی اسناد معلوم می‌شود که ورود به تشکیلات آستان قدس، به‌آسانی و بدون دلیل و قاعده نبوده است، بلکه از نظم خاصی پیروی می‌کرد. تعداد افراد و حقوق و مزایای آنها مشخص بود و با حذف و کناره‌گیری فردی، شخص دیگری به‌کار گرفته می‌شد. فرآیند استخدام افراد نیز، اگرچه در مواردی از مراحل قانونی آن تخطی می‌شد اما به‌طور کلی منظم و حساب شده بود. متولیان در این فرآیند، به‌عنوان بالاترین مقام در آستان قدس نقش برجسته‌ای در تعیین، تأیید یا حتی عزل افراد داشتند. حکم شغل مورد نظر توسط شاه صفوی صادر می‌شد.

کلیدواژه‌ها

صفویه/ آستان قدس رضوی/ تشکیلات اداری/ نیروی انسانی/ استخدام

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۹۳)، ۴۳-۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۹ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۳

شرایط و شیوه به کارگیری افراد در تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه براساس اسناد

حمیده شهیدی^۱

مقدمه

با نگاهی به تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه، می توان پی برد که این مجموعه دارای تشکیلات اداری و دیوانی منظم و حساب شده ای بود و میان بخش ها و تأسیسات داخلی آن تفکیک وظایف وجود داشت. اداره کردن این تشکیلات از جهات مختلف، نیازمند برنامه ریزی دقیق بود تا بتوان شئون بقعه مطهر امام رضا (ع) را حفظ نمود و از نظر نظافت، بهداشت، امنیت، و سایر امور، نیازها را برآورده و موانع را برطرف و نظم را در آن مکان مقدس برقرار کرد. با اذعان به این مطلب، لازمه چنین تشکیلاتی، وجود نیروی انسانی است. از میان ۶۹/۰۰۰ صفحه سند مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه، بخش قابل توجهی با پرداخت های مالی و حقوقی کارکنان در ارتباط است. قسمتی از آن مربوط به دفاتر مختلف از جمله دفتر روزنامه چه، مجمل جمع و خرج، و دفتر توجیهات است که در آن صورت حساب پرداخت مواجب به کارکنان ثبت شده است. علاوه بر آن، فرمان هایی از شاه صفوی یا تعلیقه هایی از متولی آستان قدس در باب گماردن افراد به مشاغل مختلف و تعیین حقوق و مواجب آنان موجود است. این اسناد نسخه اصلی نیست؛ بلکه سواد یا صورتی از اسناد است و فاقد هرگونه آرایه هنری است. جنس کاغذ از نوع کشمیری، نوع نگارش اسناد به خط نستعلیق، و اعداد و ارقام آن به خط سیاق است. اسناد مذکور مربوط به آستان قدس، به عنوان بزرگ ترین و قدیمی ترین نهاد موقوفه شیعی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره

اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناس

اسناد تاریخی مرکز اسناد آستان قدس رضوی

hamidshahidi@gmail.com



در ایران و جهان است و در آن زوایای ساختار تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه و نقش دولت مرکزی در اداره این مجموعه روشن می‌شود. از سوی دیگر، یکی از موضوع‌های آن انتصاب افراد به مشاغل در تشکیلات آستان قدس و تعیین میزان حقوق و گاهی تعیین نوع کارکرد شغل آنان است. از این رو، در شناخت مشاغل و نوع فعالیت آنان، همچنین نوع حقوق، مزایا، و محل پرداخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد و پژوهش در این موضوع برای استفاده علاقه‌مندان و پژوهشگران دوره صفویه امری ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش، استنتاج و تحلیلی از مطالعه مجموع اسناد مذکور است و با روش توصیفی-تحلیلی سعی در پاسخ به این پرسش‌ها دارد:

۱. انگیزه‌ها و علل به‌کارگیری افراد در تشکیلات اداری آستان قدس چیست؟
۲. آیا به‌کارگیری افراد در تشکیلات آستان قدس دارای نظم خاصی بوده و مراحل استخدام چگونه بوده است؟
۳. آیا افراد از شغل خود در آستان قدس کناره‌گیری کرده یا عزل می‌شدند؟ در این صورت علت یا علل آن چیست؟
۴. حکم استخدام افراد در تشکیلات اداری آستان قدس توسط چه کسی و چگونه صادر می‌شد؟ حکومت مرکزی در این زمینه چه نقشی داشته است؟
۵. متولی، به‌عنوان بالاترین مقام در تشکیلات آستان قدس در عزل و نصب افراد چه نقشی داشته است؟
۶. نوع حقوق و مزایا، و محل پرداخت آن برای افراد چگونه بوده است؟

انگیزه‌ها و علل به‌کارگیری افراد

کار در تشکیلات آستان قدس، به‌علت انتساب به حضرت رضا (ع) از گذشته تاکنون، از قداست خاصی برخوردار بوده و خدمت در آن برای علاقه‌مندان به آن حضرت آرزویی بوده است. گاهی اتفاق افتاده که فردی به‌واسطه نذر یا دیدن کرامتی، وارد این تشکیلات شده است. چنانکه در ۱۱۱۴ق. استاد محمدخان اصفهانی جراح، به عزم زیارت و یافتن شفا، از اصفهان به آستان امام رضا (ع) آمد و با مشاهده کراماتی از این آستان، در مجموعه دارالشفای آستان قدس، با تأیید میرمحمد مؤمن طبیب، به‌عنوان جراح مشغول به کار شد (ساکماق، ۳۴۳۱۳). البته، در کنار انگیزه‌های معنوی، همان‌گونه که در بی‌می‌آید، افراد برای به‌دست آوردن حقوق و مزایا، نیز متمایل به خدمت در آستان قدس بودند.

ورود به تشکیلات آستان قدس به‌سهولت و تنها به‌خواسته افراد نبوده است. با مطالعه و بررسی اسناد درمی‌یابیم که استخدام افراد در این تشکیلات براساس نظم و روشی حساب شده بوده است؛ به‌گونه‌ای که کسی اضافه بر سازمان، به مجموعه افزوده نمی‌شد؛ چراکه



تعداد افراد و حقوق و مزایای آنها به خوبی مشخص بوده است. از این رو، با کناره گیری و حذف فردی از شغلی خاص، به هر دلیل، و خالی شدن جای وی، شخص دیگری به کار گرفته می شد. با توجه به اسناد موجود، افراد در دو حوزه مشغول به کار می شدند:

۱. حوزه ای که می توان از آن به عنوان اماکن متبرکه یاد نمود، که مسئولیت تطهیر و نظافت و برقراری نظم و آرامش در صحن ها، رواق ها، و متعلقات داخلی حرم را داشتند، شامل مشاغل خادمی، فراشی، حافظی، کفشبانی، مؤذنی، و دربانی. در دوره صفویه، ابتدا، در سه کشیک و از حدود سال ۱۱۲۹ ق، در پنج کشیک (ساکماق، ۳۴۵۰۸) به این امور می پرداختند.

۲. حوزه ای که می توان از آن به عنوان ادارات و سازمان های وابسته به آستان قدس شامل کتابخانه، شربتخانه، دارالشفاء، کرکراق خانه، انبارخانه، عصارخانه، نقاره خانه، و شماعی خانه اشاره کرد که در اسناد، ذیل بیوتات آستان قدس آمده است.

از مهم ترین دلایل جذب و به کارگیری افراد در تشکیلات آستان قدس، که البته بعد از آن قابلیت و شایستگی افراد نیز لحاظ می گردید، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. موروثی بودن مشاغل

یکی از علل اصلی جذب افراد در حوزه اماکن متبرکه آستان قدس، موروثی بودن مشاغل است.^۱ این مشاغل به استناد اسناد عبارت اند از: خادمی (ساکماق، به طور نمونه ۳۰۴۳۵، صص ۲ و ۱؛ ۳۵۰۷۹، ص ۱۱)، کفشبانی (ساکماق، به طور نمونه ۳۵۰۷۹، ص ۹)، فراشی (ساکماق، به طور نمونه ۳۵۰۷۹، ص ۸؛ ۳۵۰۷۹، ص ۳)، دربانی (ساکماق، به طور نمونه ۳۵۰۷۹، صص ۶ و ۵)، حافظی (ساکماق، به طور نمونه ۳۵۳۶۱، ص ۱۴)، و مؤذنی (ساکماق، به طور نمونه ۳۴۷۵۱، ص ۷ و ۳۴۷۱۲، ص ۵). در باب مشاغل حوزه دوم، که پیش از این ذکر شد، شغل کتابداری در کتابخانه از مشاغل موروثی است (ساکماق، به طور نمونه ۳۳۴۶۶، ص ۳). شواهد درباره موروثی بودن سایر مشاغل در این حوزه در اسناد مشاهده نشد.

این مشاغل، به واسطه موروثی بودن، بعد از فوت پدر به فرزند ارشد ذکور به ارث می رسید. البته، این قابلیت را هم داشت که به سایر اعضای خانواده، نظیر برادر یا پسر برادر نیز به ارث برسد. در دوره صفویه، جهت زیارت حرم مطهر، روزها یا ساعاتی خاص به زیارت زنان و اطفال آنها اختصاص داشت (ساکماق، ۳۵۳۶۱، ص ۲). در آن مدت، برخی کارکنان، نظیر کفشبانان، زن بودند و شغل آنها بعد از فوت، به فرزند دختر یا نواده آنها می رسید. بنابراین، موروثی بودن شغل، برای زنان شاغل در آستانه نیز صدق می نمود. چنانکه زنی به نام هاجر، بعد از فوت جده اش، شغل کفشبانی وی را جهت خود تقاضا می نماید و حکم به نام او صادر می شود:

«... به دوره عرض و کلاء اجلاء عالی می رساند که درین وقت مرحومه جده این کمینه

۱. موروثی بودن برخی مشاغل در آستان قدس با تأثیر پذیری از دستگاه سلطنتی بوده است. ژان شاردن در باب موروثی بودن مشاغل در دستگاه سلطنتی چنین می نگارد: «... معمولاً مشاغل و مقامات جنبه توارث دارد، اما بسیار اتفاق می افتد که صاحب مقامی بتواند تا پایان عمر، شغل و موقع اجتماعی خود را حفظ کند. زیرا وزیران و جاه مندان که در دربار نفوذ و قدرت دارند پیوسته در تلاشند کسانی را که به ذیل حمایت آنان متوسل شده اند به جای کسانی که پشتیبان کارساز ندارند بگمارند. یا این همه من دو صاحب جاه و نیکنام و معروف را که طی دو قرن مقام بزرگ خویش را حفظ کرده اند و پسر جانشین پدر بوده است دیده ام» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۰۹).



در راه کعبه معظمه فوت شده و مشارالیها در روزهای زنانه کفشبان بوده و هر ساله مبلغ یک تومان از آن سرکار در وجه او مقرر بوده. استدعا آن که خدمت مزبور را با وظیفه مزبوره به این کمینه شفقت و درین باب تعلیقچه رفیعہ عالی به این کمینه عنایت و مرحمت فرمایند که این کمینه به نحو او مشغول خدمت خود بوده هر ساله وظیفه مزبوره را بازیافت و صرف معیشت خود نموده مرفه الحال به دعاگویی اشتغال نماید (ساکماق، ۳۵۲۸۱، صص ۲ و ۱).

گفتنی است، گاهی صاحب شغل در زمان حیات به واسطه پیری و کهولت و عدم توانایی در انجام کار یا دلیل دیگر، درخواست انتقال شغل به فرزندش را می نمود. چنانکه شیخ ابوالبرکات، استدعای خدمت خادمی خود را جهت فرزندش شیخ محمدعلی می نماید (ساکماق، ۳۵۰۷۹، ص ۸). یا، میرغیاث الدین محمدکتابداری، به واسطه موروثی بودن شغلش، درخواست تفویض خدمت کتابداری را جهت فرزندش میرشمس الدین محمد می نماید (ساکماق، ۳۳۴۶۶، ص ۳). میرشریف الحسینی نیز خدمت فراشی پائین پای مبارک و کشیک خانه را جهت فرزندانش درخواست می کند که براساس درخواست وی حکم به نام فرزندانش صادر می شود:

(متن حکم):

«بر طبق عرض میرشریف الحسینی که استدعای خدمت فراشی پائین پای مبارک و کشیک خانه را استدعا به اسم محمدباقر و محمدحسین والدان خود نموده شرح تعلیقچه به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۴۳ آن که مقرر است که عالی قدر ناظر جزو آستانه مقدسه حسب الاستدعای عارض، خدمت فراشی کشیک خانه و فراشی صحن پائین پای مبارک را به صلاحیت پناهان ملا محمدباقر و محمدحسین والدان او مفوض و مرجوع نمودیم که به خدمات مزبوره قیام نمایند. کتاب عالی حضرت سلاله النجبایی مستوفی سرکار وظیفه والد او را در وجه ولدان مقرر دانسته از قرار قبض مشارالیه را که به رقم رسیده باشد تنخواه دهند» (ساکماق، ۳۵۰۷۹، ص ۸).

به واسطه موروثی بودن مشاغل یادشده در آستان قدس، بعد از فوت پدر، شغل وی به فرزند حتی پیش از رسیدن به بلوغ و در سن کم تفویض می شد و تا رسیدن به بلوغ، شخصی به عنوان نایب، کارهای وی را انجام می داد. چنانکه طی حکمی، میرزا عبدالحسین، در کودکی به سمت خادمی منصوب می شود و متولی آستان قدس نیز موظف می شود شخصی را که «قابلیت امر مذکور داشته باشد تعیین نماید که به نیابت مشارالیه تا حد بلوغ و تمیز، به خدمت مزبور قیام نماید» (ساکماق، ۲۹۱۴۲).

در سند دیگری نیز بعد از فوت میرسیدعلی حافظ، طی حکمی «خدمت حافظی ارثی» وی به نام فرزند خردسالش، سیدمرتضی، انتقال می یابد و میرشمس الدین محمدحسینی، با گذاشتن شرایطی به عنوان نایب او به خدمت حافظی منصوب می شود.

۱. شاردن در خصوص مرسوم بودن این رسم در دستگاه سلطنتی چین می نگارد: «این رسم نیز بجاست که اگر پسر در خردسالی خواه پدرش درگذشته باشد یا به مقام عالی تری نائل شده باشد جای پدرش را بگیرد. در چنین حال پادشاه یک چند شخص ستوده کار، روشن نظر و مردانه را به سمت قیم و مربی و راهنمای وی می گمارد تا امور مهم از جریان صلاح و صواب بیرون نشود و این مأموریت تا زمانی که طفل به رشد طبیعی برسد و قابلیت تعهد مشاغل بزرگ را بیابد ادامه دارد» (شاردن، ۱۳۴، ج ۴، ص ۱۲۰۹).



[متن حکم]:

«... به تاریخ شهر صفرالمظفر سنه ۱۱۴۰ آن که چون سیادت و نجابت پناه میر شمس الدین محمد حسینی صاحب عریضه به شرح متن عرض نموده است که مرحوم میرسیدعلی حافظ دور آستانه مقدسه منوره فوت شده و سید مرتضی ولد او در سن هفت سالگی و در نهایت احتیاج و استحقاق است و استدعا نموده است که هرگاه خدمت حافظی دور به سیادت و نجابت پناه میرسیدمرتضی ولد مرحوم مذکور مرجوع و وظیفه خدمت مذکور در وجه او مقرر شود، سیادت و نجابت پناه صاحب عریضه به نیابت خدمت مذکور قیام و اقدام خواهد نمود که مادامی که به حد رشد رسیده به خدمت مذکور قیام نماید. بنابر تحصیل دعای خیر و مراعات جانب سادات و استحقاق او که از جمله لوازم است از تاریخ فوت مرحوم میرسیدعلی خدمت حافظی دور آستانه مقدسه منوره را به سیادت و نجابت پناه میرسیدمرتضی ولد مرحوم مذکور مرجوع و وظیفه خدمت مذکور را که مبلغ ده تومان است در وجه مشارالیه مقرر نموده و حسب الاستدعای سیادت و نجابت و فضیلت پناه، میرشمس الدین عارض که اهلیت و قابلیت و شایستگی دارد، نیابت مشارالیه تعیین نموده که به نحوی که استدعا نموده است صبح و شام به دستور سایر حفاظ دور آستانه مقدسه به تلاوت کلام ملک علام اشتغال داشته ثواب او را به روح مطهر و مرقد منور حضرت، قربت نماید و سال به سال مبلغ مذکور را که وظیفه خدمت مذکور است باز یافت و یک ربع را به نحوی که قرار نموده و قلمی نموده در متن عریضه خود تصرف و سه ربع دیگر را تسلیم سیادت و نجابت پناه میرسیدمرتضی حافظ نماید که صرف معیشت خود نموده کلاهما مرفه الحال به دعاگویی دوام دولت روزافزون مشغول باشند و سید مرتضی مشارالیه که به حد رشد رسیده به خدمت خود قیام نماید...» (ساکماق، ۳۵۳۶۱، ص ۱۴).

در شرایطی که فرد صاحب شغل موروثی، فاقد فرزند و وارث بود، پس از فوت، شغل وی به یکی از خویشاوندان یا فرد دیگری انتقال می یافت. نظیر میرمحمدشفیع خادم، که به واسطه نداشتن وارث، شغل خادمی وی پس از فوت به فرد دیگری به نام حاجی محمد طاهر تفویض شد.

[متن حکم]:

«... فرمان همایون شد. آن که در این وقت شرافت و صلاحیت پناه و حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد طاهر به عرض رسانید که میرمحمدشفیع خادم آستانه مقدسه منوره متبرکه که امام ثامن ضامن مفترض الطاعه و واجب العصمه مشهور به گاو سوار فوت شده و وارثی ندارد و استدعا نمود که خدمت خادمی مشارالیه به او مرجوع شود و بر طبق عرض مشارالیه مرحوم متولی سابق تصدیق نموده. بنابراین از تاریخ غره شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۹۳، خدمت



مزبور را به مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم که به واجبی به لوازم و مراسم امر مذکور قیام و اقدام نموده دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید. متولی سموالمان و ناظر جلیل القدر و مستوفی سرکار فیض آثار، حسبالمسطور مقرر دانسته مومی الیه را به دستور متولی مذکور در سلک خدام والا مقام منتظم و لوازم خدمت مزبور را به او متعلق دانند و هر ساله پروانچه مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۰۹۳ (ساکماق، ۲۸۷۱۷).

۲. انتساب به ائمه (سادات)

صبغه مذهبی تشکیلات آستان قدس، به‌ویژه پس از به حکومت رسیدن صفویه و رسمیت یافتن مذهب تشیع، سبب گردید همواره منتسبان به ائمه که در اصطلاح سادات نامیده می‌شوند، جهت در اختیار گرفتن مشاغل و مناصب از نوعی تقدم برخوردار باشند. این امر در احکام و فرمان‌ها صادر شده، جهت تفویض شغلی به سادات به‌خوبی نمایان است. برای مثال، در فرمانی مربوط به شاه‌سلیمان صفوی جهت تفویض شغل خادمی به نورالدین رضوی طباطبایی، به اهمیت سادات بودن جهت احراز شغل و مقام در تشکیلات آستان قدس اشاره شده است.

[متن حکم:]

«فرمان همایون شد. آن‌که چون همواره وجهه همت دریا نوال و قرارداد خاطر خطیر خورشید مثال آن است که ترویج و تنسیق عتبات عالیات و روضات مقدسات مطهرات عرش درجات/ سیما آستانه مقدسه متبرکه سدره مرتبه عرش درجه حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعة، واجب‌العصمه معین خدام کرام که به علو حسب و سمو نسب سبقت خدمتکاری آراسته باشند/ و سادات رفیع‌الدرجات که به شرف خدمت آن روضه ملائک مقام از کافه انام اختصاص دارند، انتظام یابد و مصداق این مقال/ صورت حال خیر مآل سیادت و نجابت پناه نتیجه السادات النجباء، العظام، میرزا نورالدین الرضوی الطباطبایی ابن مرحوم میرزا محمد طاهر است/ که از جمله خدمتکاران قدیم آن آستان ملائک پاسبان است و حسب الحکم خاقان نواب خلد آشیان صاحب قرانی سابقاً به خدمت نظارت آن روضه مقدسه سرافراز بوده و به موجب پروانچه اشرف از ابتدای قوی‌ئیل مطابق ۱۰۷۷ خدمت آستانه منوره مطهره مقدسه عرش درجه حسب/ التصدیق متولی جلیل القدر آن سرکار به سیادت و نجابت پناه مزبور مفوض و موازی سی خروار غله از بابت حاصل محالی که/ به حلیه آبادانی درآمده به وظیفه مومی الیه مقرر شد و از قرار نسخه معروضه خدمت و وظیفه برطرف و در ثانی الحال وظیفه مشارالیه برقرار/ شده بود درین ولا به قرب پابوسی مجلس بهشت آیین مقرر و سرافراز



گردیده، اهلیت و قابلیت خود را مجدداً به منصفه ظهور رسانیده/ به دستور، استدعا خدمت مزبور نمود بنابر شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت شاهانه در ثانی الحال، خدمت خادمی مزبور را به سیادت و نجابت پناه/ مشارالیه به دستور سابق شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم که به واجبی به لوازم و مراسم امر مزبور قیام و اقدام نموده/ دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید و سال به سال موازی سی خروار غله مزبور که به وظیفه مشارالیه مقرر است، بازیافت و صرف معیشت خود نموده/ مرفه‌الحال و فارغ‌البال به دعاگویی دوام دولت بی‌زوال اشتغال نماید. متولی و ناظر جلیل‌القدر و مستوفی سرکار موهبت آثار حسب‌المسطور مشارالیه را/ در سلک خدام و الامقام ذوی‌الاحترام منتظم داشته، اعزاز و احترام توفیر مومی الیه به جای آورند و هر ساله موازی مزبور را/ بلاقصور و انکسار واصل و عاید مشارالیه ساخته، قبض دریافت نمایند که به خرج مجری است. تحریراً فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۰۸۴» (ساکماق، ۲۹۱۴۵).

علاوه بر این، جهت پرداخت برخی حقوق‌ها مانند مدد معاش، انتساب به سیادت، امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شد. در حکمی جهت پرداخت مدد معاش به میرزا رضاء‌الدین خادم، به امتیاز سادات بودن وی اشاره شده است:

«... چون سیادت و نجابت و رفعت و معالی پناه میرزا رضاء‌الدین خادم از جمله سادات و پریشان احوال است؛ مدد معاش و وظیفه ندارد و مراعات سادات از لوازم است لهذا از ابتدا اودی‌تیل مقدار دوازده خروار غله به وزن تبریز به مدد معاش مشارالیه مقرر گردید که هر ساله بازیافت و صرف معیشت خود نموده مرفه‌الحال به دعاگویی دوام دولت روزافزون قیام و اقدام نماید...» (ساکماق، ۳۵۲۸۱، ص ۱۹).

جدای از امتیاز سیادت، موروثی بودن برخی مشاغل در سیستم تشکیلاتی آستانه، سبب گردید تا سادات از شغل‌هایی نظیر فراشی، خادمی، کفشبانی، و درباری گرفته تا مناصب عالیه را در اختیار خاندان خود داشتند و همین امر به آنها موقعیت اجتماعی ویژه‌ای می‌داد.

۳. اعتبار خویشاوندان و نزدیکان

در تشکیلات اداری آستان قدس، افراد در مواردی، به‌اعتبار حضور نزدیکان و خویشاوندانشان مشغول به کار می‌شدند. نظیر فولادآغا بیماردار، که به‌واسطه حضور همسرش محمدباقر عزب دارالشفاء، وارد این مجموعه شده است (ساکماق، ۳۴۵۷۱، صص ۱ و ۲). در بعضی اوقات، شغل نزدیکان، نظیر دایی یا عمو، که به‌علت مرگ، پیری و از کار افتادگی یارفتن به سفر، قادر به انجام وظیفه خود نبودند و از طرفی فاقد فرزند ذکور یا به‌عبارتی فاقد وارث بودند، به همسیره زاده یا برادرزاده آنها، انتقال می‌یافت. در فرمانی از شاه‌عباس دوم صفوی شغل

۱. جهت آشنایی با ارتباط سادات و آستان قدس ر.ک: حسن آبادی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۶-۲۱۹.

۲. عزب دارالشفاء امور اداری و دفتری دارالشفای آستان قدس را انجام می‌داد (شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۷۹). مسفور: نبشته، بیان شده (نعت نامه دهنده، ذیل واژه).



فراشی مرحوم میرهاشم اصفهانی به همشیرزاده وی تفویض می شود. متن فرمان این چنین است: «...فرمان همایون شد، آن که، چون قبل ازین از قرار نوشته سیادت و مرحمت و غفران پناه میرزا حبیب الله صدر سابق بر ضمن محضر محتوی به خطوط و امهار خدام عالی مقام آستانه مقدسه منوره مطهره عرش درجه حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعه واجب العصمه صلاحیت دستگاه مولانا محمد شریف همشیره زاده مرحوم میرهاشم اصفهانی در سلک فراشان حرم محترم روضه مقدسه منتظم شده بود درین وقت متولی جلیل القدر در باب خدمت مسفور استدعا حکم اشرف به اسم مشارالیه نموده بنابراین از ابتداء شش ماهه ایت ثیل خدمت فراشی حرم محترم را حسب التصدیق متولی جلیل القدر به مشارالیه مفوض و مرجوع فرموده، ارزانی داشتیم که به واجبی به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید. متولی رفیع مقام و خدام ذوی الاحترام آستانه مقدسه محمد شریف مزبور را به دستور سابق در سلک فراشان حرم محترم منتظم دانند. درین باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه به مهر مهر آثار، اشرف رسد اعتماد نمایند. تحریراً جمادی الاولی سنه ۱۰۶۹» (ساکماق، ۲۹۱۵۸).

علل حذف و کناره گیری افراد از خدمت

همان گونه که پیش از این ذکر شد، در تشکیلات اداری آستان قدس، تعداد افراد، حقوق و مزایای آنها به خوبی مشخص بود و با حذف یا کناره گیری فردی از شغلی خاص، فرد دیگری به کار گرفته می شد. در غیر این صورت کسی، اضافه بر سازمان به مجموعه اضافه نمی شد. حذف یا کناره گیری افراد از خدمت در آستان قدس بنا به دلایل زیر می باشد:

۱. پیری و کهنسالی

در شرایطی که فردی بنا به ضعف و کهولت سن، یارای انجام وظیفه اش را نداشت، به درخواست وی، شغل به فرد دیگری واگذار می شد. در حکمی از شاه سلیمان صفوی، خدمت فراشی حاجی میرزا محمد، به سبب ضعف و کهنسالی به شخص دیگری واگذار می شود: «... فرمان همایون شد، آن که چون درین وقت صلاحیت شعار حاج الحرمین الشریفین حاجی حسین مشهدی به عرض رسانید که حاجی میرزا محمد فراش حرم محترم حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعه واجب العصمه عم اوست و به سبب ضعف پیری خدمت مزبور از او متمشی^۱ نمی شود و استدعاء دارد خدمت فراشی مزبور به مومی الیه مرجوع شود و بر طبق عرض او مرحوم متولی سابق تصدیق نمود. بنابراین از تاریخ غره شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۹۳ خدمت مزبور را به مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که به لوازم

۱. متمشی گردیدن: سرانجام یافتن، سرانجام پذیرفتن / متمشی شدن کار: جریان یافتن آن، به سامان رسیدن و برقرار گشتن آن (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه متمشی).



امر مزبور قیام و اقدام نموده دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید» (ساکماق، ۲۹۱۴۱).

۲. ترك سکونت از مشهد

یکی از شروط داشتن شغل در بارگاه امام رضا (ع) حضور و سکونت در مشهد بود و زمانی که فرد صاحب شغل، سکونت خود را از مشهد به محل دیگری انتقال می داد، شغل وی به فرد دیگری داده می شد. چنانکه شغل خواجه عنبر در سال ۱۰۸۳ ق.، به سبب «ترك سکونی از مشهد» به خواجه نیکبخت تفویض می شود:

«... فرمان همایون شد آن که چون به موجب پروانچه اشرف از ابتداء بیچین ئیل ۱۰۷۸ خدمت فراشی حرم محترم و ضبط ظروف طلا سرکار آستانه منوره سدره مرتبه عرش درجه حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعه واجب العصمه که به خواجه عنبر مرجوع و موازی پنج خروار غله از بابت موقوفات آن سرکار به وظیفه مومی الیه مقرر بوده، به قید آن که مومی الیه ترک سکونی مشهد مقدس و متولی جلیل القدر آن سرکار تصدیق نموده، خدمت مزبور به صلاحیت شعار خواجه نیکبخت مفوض و موازی مزبور به وظیفه مومی الیه مقرر شد...» (ساکماق، ۲۸۵۹۴، صص ۱۵ و ۱۶).

۳. رفتن به سفر

از آنجاکه در گذشته، وسایل حمل و نقل مانند امروز نبود، گاه سفرها ماهها طول می کشید. لذا به سبب غیبت طولانی افراد، که به سفر می رفتند و در اسناد به مناطق زیارتی مکه و عتبات عالیات و به هندوستان اشاره شده است، فرد دیگری به طور موقت، به عنوان جانشین آنها به کار گمارده می شد.

به نظر می رسد، طولانی بودن سفرها سبب می گردید، جهت حفظ شغل افراد در آستانه، نزدیکان فرد، تقاضای انجام خدمت وی را می نمودند. به طوری که، میرکمال الدین حسین تقاضای خدمت خادمی دایی خویش، مولانا عبدالله را می نماید، که به سفر هندوستان رفته است (ساکماق، ۲۹۱۵۰).

گاهی، شخص مسافر به واسطه مرگ یا به عللی دیگر، باز نمی گشت. از این رو، شغل مورد نظر به طور رسمی به شخص جانشین تفویض می شد. مانند محمد معصوم جاروکش آستانه، که در سفر فوت می نماید و شغل وی به سال ۱۰۸۱ ق. به دیگری تفویض می شود:

«... فرمان همایون شد. آن که چون حسب الاحکام مطاعه خدمت جاروب کشی آستانه منوره متبرکه سدره مرتبه عرش درجه که به محمد معصوم نواده غلام علی مرجوع و موازی سه خروار غله که به صیغه مرسوم خدمت مزبور در وجه مشارالیه مقرر بوده به قید آن که

مشارالیه به هندوستان رفته خدمت مزبور به محمدمحسن تونی مفوض و موازی مزبور در وجه مومی الیه مقرر شده بود و درین ولا صلاحیت دستگاه، محمدمحسن مزبور به عرض رسانید که محمدمعصوم مزبور فوت شده و استدعا نموده که خدمت مزبور و موازی مذکور در وجه مشارالیه مقرر شود و جمعی تصدیق نمودند که محمدمعصوم مزبور فوت شده. بنابراین از ابتداء تنگوزئیل خدمت مزبور را به دستور، به مومی الیه مرجوع و موازی مزبور را در وجه مرسوم مشارالیه شفقت فرموده ارزانی داشتیم که سال به سال باز یافت و صرف معیشت خود نموده، به لوازم امر مذکور قیام و اقدام نماید...» (ساکماق، ۲۸۶۱۵).

۴. انجام خطایی و تقصیری

گاهی در آستان قدس، فردی به علت انجام خطایی که برخلاف شئونات حرم امام رضا(ع) بوده است از کار برکنار می‌شد. در اسناد، مواردی از برکناری افراد آمده است، که البته اشاره‌ای مستقیم به تقصیر و خطای فرد نشده و تنها عبارت «به جهت تقصیری ممنوع از خدمت شده» ذکر می‌شود. نظیر میرسیدعلی حافظ‌دور، که ممنوع از خدمت می‌شود و شغل وی به فرد دیگری که دارای صلاحیت است داده می‌شود:

«به تاریخ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۱۴۱ آن که کتاب عالی حضرت سلاله النجبایی مستوفی سرکار چون میر سید علی حافظ دور آستانه مقدسه به جهت تقصیری ممنوع از خدمت شده از ابتداء ششماهه تخاقوی ئیل خدمت میرسیدعلی را به صلاحیت پناه ملاابراهیم داده شد. باید آنچه به هر جهت در وجه مشارالیه مقرر بوده در وجه مشارالیه مقرر دانسته» (ساکماق، ۳۴۷۱۲، ص ۵).

مراحل استخدام افراد

با توجه به اسناد موجود، جهت انتصاب افراد در مشاغل مختلف در تشکیلات آستان قدس، نخست شخص متقاضی شغل، عریضه‌ای مبنی بر درخواست صدور حکم و فرمان جهت تفویض شغل به وی ارائه می‌داد. سپس، متولی آستان قدس نظر خود را در این باره اعلام می‌داشت و پس از تأیید صلاحیت شخص مزبور جهت احراز شغل، فرمانی توسط پادشاه وقت صادر می‌شد. از فرمان مذکور، نخست، به عنوان «پروانچه» و از زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی به عنوان «رقم» یاد می‌شود.^۱ احکام صادر شده توسط رقم‌نویس نگاشته می‌شد و توسط «مجلس‌نویس بهشت‌آیین»^۲ طغرا کشیده و در نهایت، به تصدیق مستوفی موقوفات ممالک محروسه می‌رسید (ساکماق، ۳۳۳۸۰، ص ۵) و در دفاتری موسوم به دفاتر خلود^۳ ثبت و ضبط می‌شد. در انتهای فرمان‌ها صادر شده به این امر اشاره شده

۱. با مطالعه مجموعه اسناد مربوط به تشکیلات اداری آستان و سایر منابعی که نمونه‌های مشابه فرمان‌های صفویه را چاپ کرده‌اند در مجموع می‌توان گفت پروانچه‌ها از مهم‌ترین فرمان‌هایی بودند که توسط شاه صفوی صادر می‌شد. علاوه بر صدور پروانچه، رقم نیز توسط شاه صفوی صادر می‌شد. این گونه به نظر می‌رسد که در ابتدا به فرمان‌های شفاهی پادشاهان، رقم گفته می‌شد و به تدریج در دوره حکومت شاه سلطان حسین، جهت جلوگیری از تشتت در عناوین و دستورات شاه، برای تمامی فرمان‌های شاه عبارت رقم به کار می‌رود (شهیدی، ۱۳۹۱).

۲. مجلس بهشت‌آیین: با توجه به آنچه در منابع شناخت مسائل اداری و دیوانی دوره صفویه آمده است، می‌توان نتیجه گرفت. مجلس بهشت‌آیین، مجلسی بوده است که با حضور پادشاه و رؤسا و بزرگان مملکتی تشکیل می‌یافت و در مورد امور جاری و سیاسی مملکت تصمیم‌گیری می‌شد. موقعیت هر يك از مقامات در مجلس به فراخور شغل، مقام و رتبه فرق می‌کرد. عده‌ای در وسط مجلس جای داشته، برخی ایستاده یا به صورت نشسته بودند.

۳. به اصطلاح میرزایان، دفتری است که همیشه وا می‌شود و به احتیاط زیر مهر می‌باشد و تغییر و تبدیل در آن راه نمی‌یابد. پس کاغذی که همیشه به احتیاط باید داشت در آن نگاه می‌دارند و آن را دفتر مخلود (خلود) نام است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه دفتر).

است (ساکماق، به طور نمونه ۳۵۲۸۱، ص ۳؛ ۳۵۳۶۱، ص ۹؛ ۳۲۹۶۰، ص ۳ و ۳۴۴۵۷). جهت تأیید درستی و صحت مفاد سند، پشت آن توسط مقامات عالی رتبه، مستوفیان و منشیان ممهور و با آوردن عباراتی گواهی به صحت سند می دادند و در واقع آن را ظهرنویسی می کردند. از آنجاکه اسناد مورد اشاره رونوشت از اصل می باشد، با آوردن عبارت «موضع مهر» محل مهر آنان در اصل پروانچه مشخص می شود. مکان مهر افراد به فراخور مقام و سلسله مراتب از نظم خاصی پیروی می کرد.

به طور نمونه، در پروانچه زیر، به سال ۱۰۹۲ ق. مولانا اسحق تقاضای شغل خادمی آستان قدس را به جای پدرش مولانا محمد صالح می نماید. متولی آستان قدس نیز محتوای عریضه را مورد تأیید و تصدیق قرار داده و براساس عریضه مذکور و تصدیق متولی، پروانچه جهت تفویض شغل خادمی صادر می شود:

«... فرمان همایون شد. آن که چون ازین قرار فضیلت پناه مولانا اسحق ولد مولانا محمد صالح خادم به عرض رسانید که خادمی سرکار آستانه مقدسه منوره عرش درجه به والد او مرجوع و موازی هفده خروار غله از بابت موقوفات آن سرکار به صیغه وظیفه خادمی در وجه او مقرر بوده و درین وقت فوت شده و استدعاء خدمت و وظیفه مذکوره به اسم خود نموده و متولی جلیل القدر سرکار مزبور بر طبق عرض مشارالیه تصدیق نموده ایجاباً لمسئوله از تاریخ فوت، خدمت وظیفه مذکوره را به دستور والد به مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم که در آن روضه مقدسه به خدمات آن سرکار قیام و اقدام و سال به سال موازی مذکور را بازیافت و صرف معیشت نموده به دعاگویی دوام دولت بی زوال ابدی الاتصال اشتغال نماید. متولی سموالکمان و ناظر جلیل القدر و مستوفی سرکار موهبت آثار، حسب المسطور مقرر دانسته مشارالیه را در سلک خدام و الامقام منتظم دانسته، هر ساله موازی مذکور را بلاقص و انکسار و عاید او ساخته، از قرار قبض به خرج مجری دانند هر ساله پروانچه مجدد طلب نمایند و در عهده شناسند» (ساکماق، ۳۲۹۸۷، ص ۱۵).

پس از صدور حکم جهت تفویض شغل به فرد، از اصل حکم مذکور، نسخه دیگری جهت آستان قدس نوشته می شد و پس از تطابق با اصل، رونوشت دارای اعتبار بود، به طوری که کارکنان براساس آن حقوق خود را دریافت می کردند. براساس حکم صادر شده، دستور پرداخت حقوق به فرد مورد نظر توسط متولی به مستوفی آستان قدس داده می شد و طی گرفتن رسید از فرد صاحب شغل، که در اسناد از آن به عنوان «قبض وصول» یاد می شود، حقوق نقدی یا جنسی به وی پرداخت می شد. نمونه ای از سند قبض وصول که توسط استاد شمس طباح، در قبال گرفتن حقوق جنسی خود نگاشته شده به همراه دستور متولی در این خصوص، این چنین است:



[دستور قاضی سلطان حسینی، متولی آستان قدس]

«جناب رفعت پناه مستوفی الملک مقدار مذکور ضمن چون موافق حکم جهان مطاع عالم مطیع بوده باشد که در معامله سنه بارس ٹیل شرف صدور یافته به نوعی که قرارداد است برات نویسد.

[مهر متولی آستان قدس]: العبد تقی الدین محمد الحسینی

[حاشیه سمت راست]: قبض استاد شمس طباخ

[متن قبض وصول]: قواماً للسیاده و النقابة والایاله والحکومة والشوكة والاقبال

والاجلال قاضی سلطان الحسینی المتولی

اعتراف شرعی نمود استاد شمس طباخ آستانه مقدسه/که واصل او شده است از وکیل معین نواب سیادت و نقابت پناه/ایالت و حکومت دستگاه، شوکت و عظمت انتباه، ملجاء الفقراء و المساکین، عون الضعفاء والمستحقین فی سنه بارس ٹیل/مقدار شش خروار غله مناصفه که حسب الحکم جهان مطاع/در وجه مرسوم او مقرر است این چند کلمه جهت سند قلمی شد تا موجب حاجت سند باشد. تحریراً فی /تاریخ هفدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۱۲ (ساکماق، ۲۷۶۲۵، صص ۶۵ و ۶۶).

از آنجاکه مهم ترین منبع درآمد آستان قدس موقوفات آن بوده است، حقوق افراد نیز به طور عمده از محل آن پرداخت می شد. صاحب شغل، حقوق جنسی خود را از انباردار آستان قدس و حقوق نقدی خود را از خزانه دار دریافت می نمود.

با نگاهی به اسناد می توان پی برد که متولیان آستان قدس، نقش برجسته ای در تعیین، تأیید یا حتی عزل افراد داشتند. نقش متولی تا به آنجاست که حتی احکام صادر شده بدون تأیید و تصدیق وی، از اعتبار و ارزش برخوردار نبود. در طی حکمی از شاه سلطان حسین بر این امر تأکید می شود. با این حال، گاهی از این امر سرپیچی می شد و با وجود دستور شاه، در مواردی حکم فردی بدون تصدیق متولی صادر می شد که این امر سبب اعتراض یکی از متولیان به نام میرزاداد گشته و بدین سبب در ۱۱۱۰ ق. بار دیگر شاه سلطان حسین به عمال و دست اندرکاران به لزوم تصدیق متولی جهت صدور احکام، تأکید می نماید: «... مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی و مستوفی موقوفات ممالک محروسه و محرران ارقام و احکام مطاعه، ارقام و احکامی که بدون تصدیق عالی جاه مومی الیه در باب خدمات و وظایف سرکار آستانه مقدسه مزبوره صدور یافته باشد، موقوف دانسته قلمی ننمایند و مسوده ندهند و چنانچه خدمات و امور مزبوره بدون تصدیق عالی جاه مومی الیه عرض و به جمعی شفقت شود هرگاه قابلیت و استحقاق وظیفه نداشته باشند حقایق و معارف آگاه مشارالیه ارقام و احکام ایشان را که در باب خدمات و وظایف سرکار مزبور صادر گردیده باشد موقوف دانسته حقیقت معروض شده والا



نماید و در عهده شناسد و از فرموده تخلف نورزند». (ساکماق: ۳۳۳۸۰، ص ۵).
در حکم دیگری از شاه سلطان حسین، به سال ۱۱۱۰ ق، ضمن تأکید مجدد بر این امر، ذکر شده که عزل و نصب افراد که از آن به‌عنوان «خدمات جزو سرکار فیض آثار» یاد می‌شود در ازمنه گذشته نیز بر عهده متولی آستان قدس بوده است: «... رقم نواب خاقان خلدآشپان صاحب قرانی جد بزرگوارم تاب‌تراه به تاریخ شهر شعبان سنه ۱۰۷۰ بر طبق عرض مرحوم میرزباقر متولی سابق در باب تعیین خدمات صادر گشته. خلاصه مضمون آن که چون درین وقت میرزا محمدباقر متولی آستانه منوره مزبوره معروض داشت که بعضی از خدمات جزو سرکار فیض آثار مثل خزانه‌داری و نظارت جزو و سرکاری و صاحب نسقی و میرابی آب خیابان و غیره محال به عهده اتمام متولیان سابق بوده و محال وقفی را همیشه خود به‌اجاره می‌داده‌اند و درین ولا جمیعی، محال وقفی آن سرکار را از دیوان‌الصداره به مبلغ و مقدار اندی اضافه‌اجاره و به وظیفه خود گذرانیده‌اند و استدعا نمود که خدمات جزو سرکار فیض آثار را به دستوری که در سنوات سابقه به عهده متولیان آن سرکار بوده به عهده مشارالیه مقرر فرمائیم. بنابراین از ابتداء سیچقان نیل خدمات جزو سرکار فیض آثار را به دستوری که در سنوات سابقه به عهده متولیان آن سرکار بوده به عهده مومی‌الیه مقرر فرمودیم که به حقیقت رسیده هرگاه آن جماعت که خدمات جزو آن سرکار به ایشان مرجوع شد اهلیت و قابلیت آن امر نداشته باشند به جمیعی که اهلیت داشته باشند و مصلحت داند رجوع نماید...» (ساکماق، ۳۳۳۸۰، ص ۷).

در اسناد موجود، علاوه بر پادشاهان صفوی، دستوراتی به‌طور مستقیم توسط متولی آستان قدس صادر می‌شد که در باب انتصاب افراد به مشاغل و سایر امور جاری آستان قدس است که از آن به‌عنوان «تعلیقچه» یاد شده است. در تعلیقچه‌هایی که درباره به‌کارگیری افراد در آستان قدس است، مستوفی موظف به ثبت رساندن دستور و اجرای مفاد آن است. به‌ناظر آستان قدس نیز دستور داده می‌شد انتصاب افراد به شغل مورد نظر را به رسمیت بشناسد (ساکماق، به‌طور نمونه ۳۵۰۷۹، صص ۵ و ۶؛ ۳۴۷۱۲، صص ۵ و ۶).

از ۱۱۱۱ تا سال ۱۱۴۰ ق. تعلیقچه‌های محدودی مشاهده می‌شود؛ اما از ۱۱۴۰ ق. تعداد تعلیقچه‌هایی که متولی آستان قدس صادر کرده افزایش می‌یابد. به‌ویژه، در زمان محمدتقی‌رضوی، حکم انتصاب به مشاغل و پرداخت مواجب به‌صورت مستقل توسط وی صادر می‌شد. این امر گویای استقلال متولی در انجام امور آستان قدس است و به‌نظر می‌رسد دلیل آن، از بین رفتن حکومت مرکزی در اصفهان و فقدان حکومت قوی در مشهد بوده است. با عزل طهماسب دوم، در ۱۱۴۵ ق.، و قدرت یافتن نادرشاه‌افشار و تسلط بر امور آستان قدس، حکم انتصاب افراد مانند گذشته توسط پادشاه صادر می‌شد.



نتیجه‌گیری

لازمه تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه، وجود نیروی انسانی بود. با بررسی اسناد می‌توان نتیجه گرفت که ورود به تشکیلات آستان قدس، به‌آسانی و بدون دلیل و قاعده نبوده است، بلکه این امر از نظم خاصی پیروی می‌کرد. تعداد افراد و حقوق و مزایای آنها مشخص بوده و با حذف یا کناره‌گیری فردی، شخص دیگری به‌کار گرفته می‌شد. موروثی بودن برخی مشاغل در حوزه اماکن متبرکه حرم، سادات بودن یا انتساب به ائمه، اعتبار حضور نزدیکان و خویشاوندان، از مهم‌ترین دلایل به‌کارگیری افراد در تشکیلات آستان قدس در کنار قابلیت و شایستگی آنان بوده است. پیری و کهنسالی، ترک سکونت از مشهد، مسافرت، و انجام خطایی بر خلاف شئون حرم امام رضا از دلایل حذف افراد از خدمت در آستانه بوده است.

سیستم استخدام افراد در تشکیلات اداری آستان قدس، اگرچه در مواردی از مراحل قانونی آن تخلف می‌شد، به‌طور کلی منظم و حساب شده بود. نخست، شخص متقاضی عریضه‌ای می‌نگاشت، با تصدیق و صحه متولی آستان قدس بر عریضه فرد، مراحل بعدی ادامه می‌یافت و حکم شغل مورد نظر توسط شاه صفوی صادر می‌شد. متولیان، به‌عنوان بالاترین مقام در آستان قدس، نقش برجسته‌ای در تعیین، تأیید یا حتی عزل افراد داشتند. به‌طوری‌که، جهت انتصاب افراد به مشاغل، دستوراتی صادر می‌کردند که از آن به‌عنوان تعلیقه یاد می‌شود. از ۱۱۴۰ ق.، تعداد تعلیقه‌ها افزایش می‌یابد که این امر نشان‌دهنده استقلال متولی در انجام امور آستان قدس است و به‌نظر می‌رسد دلیل آن، از بین رفتن حکومت مرکزی در اصفهان است. با قدرت یافتن نادر شاه افشار و تسلط وی بر امور آستان قدس، حکم انتصاب افراد توسط پادشاه صادر می‌شود.

منبع

حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). *سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

شاردن، جان (۱۳۷۴). *سفرنامه شاردن* (ج ۳). (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس

شهیدی، حمیده (۱۳۹۱). طرح پژوهشی: گزیده پروانچه‌ها، ارقام و تعلیقه‌های آستان قدس رضوی در دوره صفویه: مصوب سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، مشهد (در مرحله نشر).

(۱۳۸۷). دارالشفاء آستان قدس رضوی در دوره صفویه. *دفتر اسناد*، ج ۴، ص ۱۰۲-۶۹

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق) اسناد شماره ۲۷۶۲۵، ص ۵؛

۲۸۵۲۵؛ ۲۸۵۲۶؛ ۲۸۵۳۱؛ ۲۸۵۲۸؛ ۲۸۵۳۶؛ ۲۸۵۳۷؛ ۲۸۵۵۵؛ ۲۸۵۹۴؛ صص ۱، ۲، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵



۱۶، ۱۷ و ۱۸؛ ۲۸۶۱۵؛ ۲۸۱۷۱۷؛ ۲۸۷۲۳؛ ۲۹۱۳۹؛ ۲۹۱۴۱؛ ۲۹۱۴۲؛ ۲۹۱۴۵؛ ۲۹۱۵۰؛ ۲۹۱۵۸؛
۳۰۴۳۵، صص ۱ و ۲؛ ۳۱۸۹۹، صص ۶ و ۷؛ ۳۱۹۲۲؛ ۳۲۲۶۲؛ ۳۲۳۴۳؛ ۳۲۳۴۳، ص ۱۸؛ ۳۲۳۴۳، ص ۲؛ ۳۲۷۵۱، ص ۷؛
۳۲۹۶۰، ص ۳؛ ۳۲۹۸۷، ص ۱۵؛ ۳۳۳۸۰، صص ۵ و ۷؛ ۳۳۳۸۲، صص ۱ و ۲؛ ۳۳۴۶۶، ص ۳؛ ۳۴۳۱۳؛
۳۴۴۵۷؛ ۳۴۵۱۲؛ ۳۴۵۱۲؛ ۳۴۷۱۲؛ ۳۴۷۱۲، صص ۵ و ۶؛ ۳۴۷۵۱، صص ۳ و ۷؛ ۳۵۰۷۹، صص ۳، ۴، ۵، ۶، ۸،
۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۴؛ ۳۵۲۸۱، صص ۱، ۲، ۳ و ۱۹؛ ۳۵۳۶۱؛ ۴۴۹۳۳، ص ۱، ۲، ۹ و ۱۴؛ ۴۴۹۹۷؛ ۴۵۰۴۸....

